

مولانا و خواسته ی مشترک انسانی

دکتورا احمدغنی خسروی،

استاد دیپارتمنت دری

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه هرات

+93 798591970

ahmadghanikh@gmail.com

تحقیقاتی که در حوزه ی شناخت مولانا جلال الدین محمدبلخی؛ چه مقاله و چه کتاب و رساله در کشورهای مختلف دنیا اعم از شرق و انجام یافته، بیشتر از حد شمارش است. من در این مقاله فقط می خواهم به معرف اندکی از این آثار که بخش های مختلف آثار مولانا (مثنوی و غزلیات شمس) این شاعر و عارف و دانشمندگر انمایه ی جهانی پرداخته اند، نگاهی داشته باشم. با نگاهی گذرا به این موضوع به خوبی می توان دریافت که مولانا چگونه توانسته مرزهای جغرافیایی را درنوردیده، به کشورهای و زبان های مختلف دنیا برای خود جایی پای باز نموده که مایه حیرت و شگفتی همگان می گردد. این مولانا چگونه توانسته در سطح جهان آن هم پس از هفتصدسال که جهان به سمت الکترونیک شدن به شدت در حرکت بوده، چنین مقامی را احراز نماید که شرق و غرب وی را پذیرفته و او از آن خویش بدانند و هیچ زبان و ملت و مذهبی از او رویگردان نبوده، بلکه برعکس وی هم رای و هم عقیده خود بدانند، سوالی است که نیاز به پاسخ جدی و همه جانبه دارد. در قسمت معرفی آثار مولانا به زبان ها مختلف گاه رقابتی سنگین میان قوی ترین محققان هم وجود داشته، طوری که گویا هر محقق خواسته در بررسی آثار مولانا به زبان و سرزمین خود سهمی داشته باشد، تا از کاروان تحقیقات جهانی در مورد مولانا عقب نماند و این که بعضا از قوی ترین محققان و شاعران مولانا را مقتدای خویش دانسته، با افتخار خود را ریزه خوار خوان مولانا دانسته اند هم خود جای شگفتی فراوان است.

یکی از مهمترین کتاب هایی که در حوزه ی مولوی شناسی در سطح کشورهای دنیا از اهمیت و جایگاه علمی بلندی برخوردار است، " کتاب رومی، دیروز تا

امروز، شرق تا غرب"، نوشته‌ی فرانکلین دن لونیس است. این کتاب یکی از ماخذ مهم معرفی مولانا و تاثیر آن روی ادبیات کشورهای مختلف است که تسلط نویسنده کتاب به فکر و آثار مولانا آن را به مهمترین منبع آن به شکل جامع و کامل آن، این کتاب را در سطح مهمترین ماخذ مولانا شناسی بدل نماید. با خواندن این کتاب خواننده به راحتی به پهنای تاثیر مولانا به زبان‌های مختلف دنیا پی برده، متوجه می‌شود که مولانا با افکار جهان شمولش چگونه توانسته به حوزه خواسته مشترک انسانی به قول یوهان ولفانگ گوته آلمانی دست بیابد. (قبادی، 1395، ص: 71)

یکی از عوامل جهانی شدن و اثرگذاری مولانا روی ادبیات جهان و آن چه باعث گردیده که مولانا به خواسته مشترک انسانی دست بیابد، جنبه‌های انسان‌گرایانه و انسان‌شناسانه و تجربه‌های ناب شهودی و قدسی و شورعارفانه و دریافت او از وجهه‌ی فراقومی عرفان و از طرفی، چندآوایی، دگرپذیری، تساهل و تسامح در اندیشه‌ی اوست.

آن چه باعث شده که توجه بیش از حد متفکران عالم به مولانا و افکارش جلب گردد، توان پاسخ‌گویی عارفانه و اندیشمندانه‌ی مولانا است که در حقیقت نیازفکری و روحی، معنوی بشر را در هر حالت و زمانی برآورده می‌سازد. در حقیقت افکار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی پاسخگوی "همان بعد گمشده‌ی انسان امروز است" (همان، 71)

افکار مولانا سبب می‌شود که انسان به جستجو پردازد و "بودن" و "شدن" خویش را به انجام برساند. این تکاپوی معنوی عرفانی مولوی است که وی را از حکایت پوچی و وابستگی به اقلیم و زمانی محدود می‌رهاند و او را وارد پهنه ادبیات و اندیشه کل بشر می‌کشد. آثار و افکار مولانا به عنوان آثاری منحصر به فرد در حوزه‌ی عرفان و شناخت بشر در جایگاه یک اثر ماندنی و پایه که در نوع خود نظیری حداقل تا امروز نداشته است، به اکثریت زبان و فرهنگ‌های جهان راه یافته، روی ادبیات جهان تاثیر استثنایی و شگفتی‌انگیز داشته است. تجلی افکار مولانا در زبان و ادبیات فرانسه

برای اولین بار در اوایل قرن هجدهم تحقیق پیرامون افکار و آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی در فرانسه آغاز شد. قبل از سال 1857 مردم فرانسه که هنوز اف. بودری مقاله معروف خود "در باره ی حکایت موسی و شبان" مولانا را منتشر نکرده بود، مولانا را نمی شناختند و هیچ چیزی در مورد افکار و آثار او نمی فهمیدند.

از جمله مسایلی که باعث شد که مردم اروپا و خاصتا فرانسوی ها تحقیق پیرامون آثار مولانا را شروع کنند، حکایات صوفیانه و شور و جذبه ناشی از آن هاست که تقریبا همه ی مولانا شناسان و محققان آثار مولانا به آن باور و اذعان دارند.

دو تن از محققان معروف فرانسوی که قسمت مهمی از عمرشان را به تحقیق پیرامون افکار مولانا سپری نمودند، یکی هانری ماسه است در کتاب معروف و مشهورش "گلچینی از ادب خراسان" و دیگری "زاوادو ویترای" است که در سال 1970 که در دو کتاب مهم خود؛ "پیام مشرق و جاوید نامه" که با تفصیل و تحلیل های نقادانه و همراه با موشکافی به بررسی دیدگاه های مولانا پرداختند. (قبادیانی، به نقل از طهمورث، 1387، ص: 72)

خانم «اوا دُ ویترای میروچ» (2001-1909) را باید بزرگترین مولانا شناس فرانسوی دانست. او بیشتر آثار مولانا را به زبان فرانسوی ترجمه کرده و در کتاب های تألیفی خود نیز آثار مولانا را مورد بررسی کارشناسانه قرار داده است. اودر مورد چگونگی آشنایی با مولانا می گوید: «روزی یک دوست مسلمان، کتابی از اقبال لاهوری پیش رویم نهاد. هنگامی که آن را مطالعه کردم، مرا بسیار مجذوب کرد و من با وجود مشغله های زیاد تصمیم گرفتم کتاب را از انگلیسی به فرانسه ترجمه کنم. با مطالعه آثار و اشعار اقبال لاهوری می دیدم که اقبال پیوسته از مولانا به عنوان معلم و مراد خویش یاد می کند. کنجکاوشدم، ببینم چرا او تا به این حد نسبت به مولانا ارادت دارد. بدین ترتیب هنگامی که مطالعه آثار مولانا را شروع کردم، به زبان فرانسه چیزی کمی یافتم و مجبور بودم به آثار ترجمه شده به زبان های انگلیسی و آلمانی مراجعه کنم.»

میروچ کم کم مولانا را درک می کند و هر قدر که مولانا را بیشتر می شناسند، مشتاق تر می شود. و برای میروچ پانزده سال برای ترجمه مثنوی وقت گذاشت و با همکاری یک محقق ایرانی به نام جمشید مرتضوی، این کتاب ارزشمند را به طور کامل ترجمه کرد. ترجمه این کتاب در سال 1990 میلادی در 1705 صفحه به انضمام یک مقدمه 40 صفحه ای از سوی انتشارات «رُشه» در فرانسه منتشر گردید. او همچنین فیه ما فیه، رباعیات، مکاتبات و گزیده ای از دیوان شمس را ترجمه کرد. «رباعیات مولوی» مجموعه ای از 1000 رباعی است که خانم میروچ از میان 2000 رباعی منتسب به مولانا انتخاب و ترجمه کرد.

میروچ همچنین در کتاب های گوناگون تالیفی خود، بخشی را به مولانا اختصاص داده است که از میان آنها می توان به عرفان و شعر در اسلام، رومی و صوفیسم، آنتولوژی صوفیسم، قونیه و رقص کیهانی، اسلام چهره دیگر، حکایت های صوفی و ترانه های شمس اشاره کرد. میروچ ارتباط عمیقی با مولانا برقرار کرده بود. او هر چند نزد خواهران مذهبی پرورش یافته بود، ولی با مطالعه آثار مولانا به دین اسلام گروید. او برای مطالعه مولانا و فرقه مولویه بارها به قونیه سفر کرد و با پیروان مولانا گفت و گو و بحث کرد. او مولانا را عارفی جامع و کامل می دانست که اندیشه همه عرفا را در خود دارد. برای میروچ عرفان مولانا که با شعر تلطیف بیشتری یافته است، می تواند تمام افراد را با خاستگاه های مختلف دینی و معنوی گرد آورد؛ همان طور که روز خاکسپاری مولانا، مسیحیان و یهودیان قونیه به اندازه مسلمانان متأثر بودند و شیون می کردند. میروچ معتقد بود که گرد زمان بر تفکر بی زمان و اندیشه های جاویدان مولانا نخواهد نشست و مثنوی کتابی است که همواره می تواند روشنگر و سامان بخش اندیشه ها و فعالیت های انسان امروزی باشد. با این که میروچ با آثار و اندیشه های بسیاری از عارفان بزرگ دنیای اسلام از جمله عطار نیشابوری، بایزید بسطامی، سنایی غزنوی و ابوسعید ابوالخیر آشنا شد، اما این آشنایی ها نه تنها از شیفتگی او به مولانا نکاهید، بلکه بر آن افزود. او همچنین عارفان بزرگ اروپایی را می شناخت. او در کتاب «اسلام، چهره دیگر»

در پاسخ به سؤالی درباره تفاوت میان روش مولانا با عارفان بزرگ غربی همچون ترزداویلا و ژان دولاکروا، می گوید: «با مولانا خدا به انسان نزدیک تر است.» در فرانسه به علاوه از مستشرقان و محققان فرانسوی در پخش و نشر آراء و اندیشه های مولانا، فارسی زبانان و عرب های مقیم فرانسه هم در قسمت پژوهش افکار مولانا نقش قابل ملاحظه ای دارند. از جمله می توان از کتاب "آئینه آفتاب" نوشته بهمن نامور مطلق در ادبیات فرانسه نام که به شیوه ی هوشمندانه به بررسی و تحلیل آراء و افکار مولانا جلال الدین محمد بلخی پرداخته است و معرف و افعی مولانا به فرانسوی زبانان آن کشور گردیده است. (مجله مولانا پژوهی، شماره چهارم، 1389)

تاثیر افکار مولانا در انگلستان و کشورهای انگلیسی زبان

در انگلستان و کشورهای انگلیس زبان تا چنددهه قبل حکیم عمر خیام نیشابوری از شهرت بالا و جایگاهی رفیع در میان محققان آن کشورها برخوردار بود و مولانا جلال الدین محمد بلخی در میان محققان آن کشورها کمتر شناخته شده بود. این نسبت کمتر آشنا بودن محققان انگلیسی به مولانا، به تناسب خیام و سعدی و حافظ به خوبی محرز است، اما در قرن اخیر گرایش به اندیشه های مولانا در میان محققان آن کشورها به حدی چشمگیر شده که روزنامه ی کریستین مانیتور و مجله ی تایم آسیا مثنوی و دیوان غزلیات مولانا را پر خواننده ترین کتاب در امریکای شمالی برشمرده اند. آثار مولانا در آن کشورها با شمارگان بسیار زیاد و با رقم بیش از سیصد هزار جلد به فروش رسیده است. (بهمن نامور، 1388، ص: 37)

اولین شخصی که به اندیشه ی مولانا و اشعارش در کشورهای انگلیسی زبان توجه نشان داد، رالد والدو امرسون (1803-82) بود. پس از امرسون، ادوارد بایلرکاول (1836-1903) و بعد از او وینفیلد (1836-1922) به ترجمه و بررسی آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی در کشورهای انگلیسی زبان، از جمله انگلستان و ایالات متحده امریکا پرداختند. (فرانکلین لونیس، 742 و 763)

از قرن نوزدهم منتخباتی از اشعار شاعران بزرگ زبان و ادبیات فارسی_دری باقی است. از جمله آن می توان از: "گلزار ایران"، نوشته ی لوسیا استوارت کاستلو،

"نغمه ی نی" از هنری پالمرو "گزیده ی از شش شاعر بزرگ فارسی گوی، فردوسی، نظامی، سعدی، جلال الدین بلخی، حافظ و جامی" را می توان برد. (قبادی، ص:73)

در قرن بیستم اقبال زیادی نسبت به اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی در انگلستان و امریکای شمالی پیدا شد. در این زمان محققان زیادی در سراسر جهان پیدا شدند که با عشق تمام به مطالعه و تحقیق پیرامون اشعار و افکار مولانا پرداختند. از جمله ی معروف ترین این محققان می توان از رینولد نیکلسون نام که نقطه ی عطفی در عرصه ی مولوی شناسی در قرن بیستم به حساب می آید. نیکلسون قسمت اعظم عمر خود را به مطالعه، ترجمه اشعار و شناخت افکار مولانا گذراند. او در سی سالگی منتخباتی از دیوان غزلیات شمس را به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرد و پانزده سال از عمر خود را صرف شرح مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی در هشت جلد کرد. نیکلسون هم چنان در سال 1924 میلادی در ضمیمه ی انجمن سلطنتی آسیا، کتاب "قیه مافیه" مولانا را برای اولین بار مردمان امریکا و اروپا معرفی کرد.

یکی دیگر از مستشرقان معروفی که در قرن بیستم در معرفی و شناخت آثار و افکار مولانا در غرب همت گماشت و در این راستا زحمات زیادی کشید، "آرتور جان آربری" (1905-1969) بود. او در آغاز گلچینی از رباعیات مولانا در دیوان شمس را به انگلیسی ترجمه کرد که مورد استقبال انگلیس زبان قرار گرفت. سپس به ترجمه ی مجموعه ی غزلیات مولانا پرداخت. او هم چنین به منظور مطالعه و آشنایی مردم به آثار و افکار مولانا حکایاتی از مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی را تحت نام "داستان های از مثنوی را منتشر کرد. از دیگر ترجمه های ارزشمند آرتور جان آربری، ترجمه چهارصد غزل از مولوی در دو مجلد به نام های "غزلیات عرفانی رومی 1 و غزلیات عرفانی رومی 2" است این ترجمه ها به صورت کلمه به کلمه و بیت به بیت انجام پذیرفت.

آرتور آربری به اندازه ای مسحور مثنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی بود که در باره ی مثنوی این کتاب ولای انسانی می گوید: "کتاب به ارزشمندی مثنوی

معنوی تا حال به دست انسان سروده نشده است." (مجله ی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان 1384، فرانکلین لونیس، ص: 685-688)

سرچشمه ها

1. لونیس، د.ک. فرانکلین، رومی دیروز تا امروز، شرق تا غرب، ترجمه حسن لاهوتی، 1311
2. قبادی، حسین علی، جان جهان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، نشر جهاد دانشگاهی، سال: 1395
3. حاکمی، اسماعیل، گرایش انسان معاصر به عرفان، مجموع مقالات همایش مولانا، به کوشش شهرام یوسفی فر، سال 1386
4. ساجدی، طهورت، کلمان هولرایران شناس فرانسوی، مجله نامه ی فرهنگستان، دوردهم، ش اول، 1387.
5. نشریه ی تخصصی مولانا پژوهی، سال اول، شماره ی چهارم، زمستان 1389
6. تمیم داری، احمد، مولوی پژوهی و مولوی پژوهان انگلیسی زبان، در مجله ی پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان، 1384 .